

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال دوازدهم ♦ شماره ۴۶ ♦ تابستان ۱۴۰۱
صفحات: ۷۳-۹۲ ♦ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱ ♦ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۵/۰۸



نذر مسلمانان از دیدگاه وهابیت، با تأکید بر روایات

مصطفی مهاجر*

چکیده

وهابیت با نگاهی افراطی، مسلمانان را به دلیل نذرهایی که انجام می‌دهند، مورد
هجمه قرار داده‌اند. آنها در این خصوص به چند روایت تمسک کرده‌اند. نگارنده در این
تحقیق کوشیده است تا اولاً، روایات مورد استدلال وهابیت را مورد نقد دلالتی قرار
دهد؛ چراکه دلالت هیچ‌یک از آنها نمی‌تواند عدم جواز چنین نذرهایی را اثبات کند؛
ثانیاً، با ذکر ادله قرآنی و روایی، فتوای فقهای مسلمانان و همچنین سیره مسلمین،
جواز نذرهای مسلمانان را اثبات کند.

کلیدواژه‌ها: نذر، مذاهب اسلامی، وهابیت، روایات.

* کارشناسی ارشد مؤسسه مذاهب اسلامی، پژوهشگر مؤسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (علیهم السلام).

مقدمه

مسئله نذر کردن مسلمانان و انجام دادن آنها، دارای مصادیقی است. یکی از مصادیق آن، نذر کردن برای خداوند است که منفعتش به اموات می‌رسد. عالمان اهل سنت و شیعه در جواز این نوع از نذر، تردید ندارند؛ ولی اکثر وهابیت در این باره، با علماء مسلمان اختلاف نظر دارند، و با تمسک به روایات، آن را مصداق شرک در عبادت پنداشته‌اند؛ از این رو، ضرورت اقتضاء می‌کند که مسئله نذر، مستقلاً مورد تبیین و بررسی قرار گیرد. نویسنده در این نوشتار درصدد است، سخنان و تمامی ادله روایی وهابیت را در مسئله نذر مورد بررسی قرار دهد؛ همچنین در ادامه به بررسی آیات و روایات و بیان حکم فقهی مسلمانان و ذکر سیره مسلمین در طول تاریخ پرداخته و حکم جواز نذر ذکر شده را، مورد تبیین قرار دهد.

تعریف نذر

برای «نذر» در لغت، معانی متعددی ذکر شده، ولی با توجه به این بحث، به معنای الزام کردن می‌باشد و مُراد، آن است که انسان، چیزی را بر خود لازم کند^۱ و در اصطلاح، یعنی فرد بر خود چیزی را که شرع بر او لازم نکرده، واجب گرداند؛^۲ چنانکه خداوند به حضرت مریم علیها السلام، فرمان می‌دهد که بگوید: «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا»^۳؛ برای خدای رحمان، نذر روزه کرده‌ام.

نذر باید برای خدا باشد و اگر کسی، موجود دیگری را به جای خدا قرار دهد و همان جایگاه را اعم از الوهیت و ربوبیت برای آن قائل باشد، یقیناً دچار شرک شده است؛ اما اگر قصدش، الوهیت و ربوبیت نباشد، دچار شرک نشده است؛ بنابر اتفاق مذاهب اسلامی، نذر باید با قصد قربت و برای تقرب به خداوند باشد و اگر چنین نیتی نباشد، نذر، باطل است.^۴ مرحوم صاحب جواهر از بزرگان مکتب اهل بیت علیهم السلام نیز، در کتاب فقهی خود آورده است:

۱. «فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۸، ص ۱۸۰»؛ «زبیدی، محمد، تاج العروس، ج ۱۴، ص ۱۹۷».

۲. «ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحديث والأثر، ج ۵، ص ۳۹»؛ «جزیری، عبدالرحمن بن محمد، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۲، ص ۱۲۷»؛ «ابن ادریس، منصور بن یونس، کشف القناع عن متن الإقناع، ج ۶، ص ۲۷۳».

۳. سوره مریم: ۲۶.

۴. جزیری، عبدالرحمن بن محمد، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۲، ص ۱۲۷.

«أنه يجب في صيغته التي هي سبب الالتزام أن يقول: «الله على» بمعنى عدم انعقاد النذر لو جعل الالتزام لغير الله من نبي مرسل أو ملك مقرب»^۱؛ واجب است در صیغه نذر که سبب ملتزم شدن به آن می شود، بگوید: برای خداست و بر گردن من؛ به این معنی که اگر برای غیر خدا، مانند پیامبر ﷺ یا فرشته مقربی نذر کند، صحیح نیست.

بنابراین اگر نذر برای غیر خدا باشد، شکی در بطلان آن نیست.

نذرهای مسلمانان از منظر وهابیت

از دیدگاه وهابیت، در بین مسلمانان، صیغه نذر، ممکن است به دو صورت، بیان شود:
اول: نذر کردن برای غیر خداوند که کسی برای تقرب به غیر خداوند، صیغه نذر را ذکر کند؛

دوم: نذر کردن برای خداوند که منفعتش به اموات می رسد؛
در ادامه، هر کدام از موارد، جداگانه بررسی می شود.

۱. نذر برای تقرب به غیر خداوند

وهابیان می گویند: نذر کردن، یک عمل عبادی است که باید برای خداوند و تقرب به او انجام شود؛ وگرنه شرک است.^۲

بن باز به صورت صریح تصریح می کند: کسی که برای یکی از اهل بیت (علیهم السلام) مانند حضرت علی (علیه السلام)، امام حسین (علیه السلام)، یا برای شخص دیگری مانند شیخ عبدالقادر یا فلانی یا سیده زینب یا سیده نفیسه، یا حتی نذر بر پیامبر ﷺ و غیره نذر کند، این نذر شرک اکبر و باطل است؛ زیرا نذر مانند، نماز، روزه، ذبح و دعا، عبادت بوده و مخصوص ذات خداوند می باشد.^۳

اکثر وهابیت، مانند سلیمان نوه محمد بن عبدالوهاب،^۴ ابن عثیمین^۵ و دیگران،^۱ این

۱. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۳۵، ص ۳۷۲.

۲. ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل، ج ۹، ص ۲۳۹.

۳. بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله، فتاوی نور علی الدرب بعناية الطیار، ص ۱۵۷.

۴. عبدالوهاب، سلیمان بن عبدالله، تیسیر العزیز الحمید، ص ۱۶۵.

۵. ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل، ج ۹، ص ۲۳۹.

نوع از نذر را شرک اکبر می‌دانند؛ از دیدگاه آنها، نذر، عملی عبادی می‌باشد و عبادت، مختص به ذات الهی است؛ لذا این نوع نذر، منعقد نشده و کفاره هم ندارد و نذرکننده، مُشرک بوده و باید توبه کند.^۲

برخی از وهابیان برای اینکه شرک اکبر بودنِ چنین نذری را اثبات کنند، به سخنان ابن تیمیه و ابن قیم استناد کرده‌اند؛^۳ در حالی که ابن تیمیه و ابن قیم، نذر غیرِ خدا را مانند قسم به غیرِ خدا، شرک اصغر می‌دانند. ابن تیمیه بر این باور است که نذرکننده باید استغفار کند؛ از نظر وی، وفای به این نذر، واجب نیست و کفاره هم ندارد.^۴

از آنجایی که ابن تیمیه، این نذر را شرک اصغر می‌پندارد، می‌گوید: ناذر باید این نذر را صرف مصالح عمومی^۵ یا صدقه به فقرا و صالحین بکند؛^۶ در حالی که اگر او معتقد به شرک اکبر و کفر بود، باید قائل به توبه دادن و امر به تجدید اسلامِ نذرکننده می‌شد؛ نه اینکه قائل باشد، نذر کافر، صرف مصالح عمومی یا صدقه به فقرا بشود؛ چنانکه سلیمان بن عبد الوهاب به آن اشاره کرده است.^۷ ابن قیم نیز مانند استادش، این نوع از نذر را به عنوان یکی از مصادیق شرک اصغر، معرفی کرده و می‌نویسد: وقتی قسم به غیرِ خدا، شرک باشد؛ پس چگونه نذر به غیرِ خدا شرک نباشد؟ حال آنکه در روایت نبوی ﷺ آمده است: «التَّذْرُ حَلْفَةٌ»؛^۸ نذر، سوگند است.

۱. «فوزان، صالح بن فوزان، المنتقى من فتاوى الفوزان، ج ۱، ص ۱۹۲»؛ «بن باز، عبدالعزيز، فتاوى نور على الدرب، ج ۱، ص ۲۱»؛ «دويش، احمد بن عبدالرزاق، فتاوى اللجنة الدائمة، ج ۲، ص ۲۸۲»؛ «عصيمي تميمي، صالح بن مقبل، بدع القبور أنواعها وأحكامها، ص ۴۶۷».

۲. «ابن عثيمين، محمد بن صالح، مجموع فتاوى ورسائل، ج ۹، ص ۲۳۹»؛ «بن باز، عبدالعزيز، فتاوى نور على الدرب، ص ۱۵۷».

۳. عبد الوهاب، سليمان، تفسير العزيز الحميد، ص ۱۶۷-۱۶۶.

۴. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوى، ج ۱۱، ص ۵۰۴.

۵. ابن تیمیه، احمد، المستدرک، ج ۵، ص ۱۴۵.

۶. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوى، ج ۱۱، ص ۵۰۴.

۷. عبد الوهاب، سليمان، الصواعق الالهية، ص ۴۷.

۸. ابن قیم، جوزیه، مدارج السالکین، ج ۱، ص ۳۵۳.

بررسی و نقد

اولاً: نذر برای اولیاء خدا، زمانی به عنوان عبادت اولیاء الهی شناخته می‌شود که اعتقاد به ربوبیت اولیا وجود داشته باشد؛ زیرا عبودیت متفرع بر ربوبیت است؛ لذا اگر کسی عملی را انجام دهد که همراه با اعتقاد به ربوبیت نباشد، عمل او عبادت نخواهد بود؛ هرچند ظاهر عمل، عمل عبادی باشد؛ چنانکه در آیه مبارکه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»، عبادت، متفرع بر ربوبیت شده است؛ یعنی چون خداوند رب است، شایسته پرستش است.

در مورد نذر، همین‌گونه است؛ باید از اعتقاد نذرکننده سؤال پرسید؛ اگر اعتقاد مشرکانه بود، آن‌گاه حکم به شرک او می‌شود؛ چنانکه وقتی شخصی تصمیم بر ذبح در مکانی غیر از مناسک حج داشت، پیامبر ﷺ ابتدا از او می‌پرسید و از اعتقاد شخص مطلع می‌شد. اگر ایرادی نداشت، حکم به جواز می‌داد؛ وگرنه مانع می‌شد. در سنن ابن-ماجه، از ابن عباس نقل شده است که: شخصی از رسول خدا ﷺ سؤال کرد که من نذر کرده‌ام در "بوانه" قربانی کنم؛ پس حضرت فرمودند: آیا در نفست، چیزی از امر جاهلیت می‌باشد؟ گفت: خیر؛ پس حضرت فرمودند: به نذرت وفا کن.^۱

از این روایت که با عبارت مختلف در منابع اهل سنت نقل شده است، استفاده می‌شود که آنچه در خصوص نذر و ذبح مطرح است، نیت شخص می‌باشد که به چه نیت نذر می‌کند.

ثانیاً: تمام مذاهب اسلامی بر این باورند که نذر، باید برای قصد قربت و تقرب به خداوند باشد و اگر چنین نیتی نبود، نذر، باطل است؛^۲ لذا می‌بینیم که صیغه نذر را با جمله «لله علی» می‌گویند؛ یعنی برای خداوند بر من است که این نذر را انجام دهم. لام استفاده شده در «لله»، برای بیان «تقرب» است که در نذر، استفاده می‌شود.

حال اگر کسی به جای «لله علی» از عبارت «لفلان علی» استفاده کند، آیا می‌توان به

۱. «أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي نَذَرْتُ أَنْ أَخْرَجَ بُيُوتَانِي، فَقَالَ: فِي نَفْسِكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: أَوْفِ بِنَذْرِكَ» (قزوینی، ابن‌ماجه، سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۶۸۸).

۲. جزیری، عبدالرحمن بن محمد، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۲، ص ۱۲۷.

صِرَف ظاهر این عبارت، نذر غیرِ خدا را از آن استفاده کرد؟ یعنی همان طور که «لام» استفاده شده در «لله» برای بیان «تَقَرَّب» بود، این «لام» هم برای بیان «تَقَرَّب» باشد و گوینده چنین نذری را به شرک، مَتَّهَم کرد؟ در حالی که هر جا در نذر از «لام» استفاده شد، معنایش تَقَرَّب نیست؛ چراکه ممکن است به معنای «انتفاع» باشد؛ چنانکه صدقه هم، باید برای خداوند انجام بشود؛ ولی در قرآن می‌خوانیم: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَ...﴾^۱؛ صدقات فقط برای فقرا، مساکین و... است.

به وضوح، مشخص است که مُراد از «لام» در «للفقراء» بیان تَقَرَّب نیست؛ بلکه «لام انتفاع» می‌باشد؛ لذا اگر کسی بگوید: «نذرت للنبي هكذا»؛ من برای پیامبر ﷺ چنین نذری کردم، مقصود این نیست که برای پیامبر با نیت الوهیت و ربوبیت نذر کرده است؛ بلکه مقصود این است که برای خدا نذر کردم و این نذر برای انتفاع پیامبر ﷺ می‌باشد. با توجه به نکته مذکور، می‌توان نتیجه گرفت، اکثر نذرهایی که مردم از روی عادت بر زبان جاری می‌کنند، می‌تواند از این باب باشد. سعد بن عُباده از پیامبر اکرم ﷺ پرسید: برای مادرش که از دار دنیا رحلت کرده چه صدقه‌ای بافضیلت‌تر است؟ حضرت فرمودند: آب. سعد بن عبادۀ چاهی را حفر کرد و گفت: «هذه لأم سعد»؛ این برای مادر سعد.^۲ اگر گفتن چنین عبارتی، شرک بود؛ پس این صحابی پیامبر ﷺ هم، مُشرک است و پیامبر ﷺ باید او را متنبه می‌کردند؛ درحالی که روشن است، «هذه لأم سعد» به معنای «هَذِهِ الْبَيْتُ صَدَقَةٌ لَهَا»^۳ می‌باشد؛ یعنی اهدای ثواب آن برای مادرش باشد.

از این رو، نذر کردن قربانی که مسئله‌ای شایع بین مسلمانان می‌باشد، تنها برای خداوند است؛ ولو اینکه در لفظ، نام غیر خدا ذکر شود. شیخ داوود خالدی بغدادی، عالم و فقیه حنفی مذهب در کتابش می‌نویسد:

«بمعنى أن الثواب لهم والمذبح منذور لوجه الله كقول الناس: ذبحت لميتي بمعنى تصدقتُ عنه وكقول القائل: ذبحت للضيف بمعنى انه كان السبب في

۱. سوره توبه، آیه ۶۰.

۲. سجستانی، ابوداود، سلیمان، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۳۰.

۳. عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود شرح سنن ابی داود، ج ۵، ص ۹۶.

حصول الذبح لا ان الذبح تقرباً اليه»^۱

پاداش (قربانی نذر) و ثوابش به ایشان (اموات) می‌رسد و آنچه قربانی شده، با قصد قربت به خدا، نذر شده است؛ مانند اینکه مردم می‌گویند: برای مرده‌ام قربانی کردم؛ یعنی از طرف او این قربانی را صدقه دادم یا اینکه می‌گویند: برای مهمان، قربانی کردم. به این معنی که او سبب انجام این قربانی بوده است؛ نه اینکه عمل ذبح برای تقرب به او باشد.

نتیجه آنکه، بیان فرض مسئله مذکور از جانب وهابیت، به دلیل نوع نگاه افراطی آنها به مسائل دینی است؛ وگرنه، قبل از تفکر وهابیت و دیدگاه‌های آنها، اگر کسی در نذر، غیرِ خدا را ذکر می‌کرد، سخن وی، حمل بر صحت می‌شد؛ چراکه هیچ مسلمانی برای غیرِ خداوند، نذر نمی‌کند.

۲. نذر برای خداوند و اهدای ثواب آن به اموات

چنانکه بیان شد، مسلمانان نذر را برای تقرب به خداوند انجام می‌دهند و اگر به قصد تقرب و با اعتقاد به ربوبیت و الوهیتِ غیرِ خدا باشد، آن را شرک می‌دانند؛ بنابراین، مسلمانان برای تقرب به غیرِ خداوند، چنین نذری نمی‌کنند. ممکن است کسی در ظاهر از عبارات موهمی برای نذر استفاده کند؛ مبنی بر اینکه نذر وی برای غیرِ خداوند است؛ در حالی که قصد و مُراد حقیقی وی، آن است که نذر برای خداوند و تقرب به اوست و ثواب آن، هدیه برای اموات یا صالحین می‌باشد؛ از این رو، مشاهده می‌کنیم که مسلمانان در مشاهد مشرفه یا در کنار قبور اولیا و صالحین، برای تقرب به خداوند، قرآن می‌خوانند و ثوابش را به آنها هدیه می‌کنند؛ لذا هیچ‌گاه مسلمین برای غیرِ خداوند، عمل عبادی را انجام نمی‌دهند.^۲ این نوع از نذر که برای تقرب به خداوند است و منفعت آن هدیه به اموات می‌باشد، از دیدگاه مسلمانان، امری مشروع است؛ اما سؤال این است که دیدگاه وهابیت در این مسئله چیست و این نوع نذر، چه حکمی دارد؟

اکثریت وهابیت، قائل به جواز نیستند. آنها می‌پندارند که این نوع نذرها مُنعقد

۱. خالدی، داود بن سلیمان، صلح الاخوان، ص ۱۰۵.

۲. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، منهج الرشاد، ص ۶۲.

می‌شود؛ ولی به دلیل اینکه نذرِ معصیت است، عمل کردن به آن، جایز نیست و نذرکننده باید کفاره بدهد.^۱ عبداللطیف آل‌الشیخ می‌گوید:

اگر کسی برای خداوند، نذر کند و بخواهد نذرش را برای مجاورین نزد قبور، مصرف کند، جایز نیست و معصیت می‌باشد؛ چراکه اعانت و کمک کردن بر مجاورت نزد قبور، جایز نیست؛ بلکه نذرکننده باید نذرش را در امورات شرعی، مانند حُجَّاج یا معتکفین در مسجد، مصرف کند.^۲

صالح بن فوزان نیز، نذرِ ذبح کردن در کنار قبور را معصیت و گناه کبیره دانسته است؛ از نظر وی، چنین عملی در کنار قبور، شبیه عمل مشرکین بوده و مُنتهی به مُشرک شدن می‌شود.^۳

نقد ادله روایی قائلین حرمت نذر، برای خداوند و اهدای ثواب آن به اموات
وهابیت برای حرمت (نذری که برای خداوند انجام شده، ولی ثواب آن به اموات، هدیه شده است)، به سه روایت استدلال کرده‌اند. وهابیون با روایت اول، ثابت می‌کنند که به نذر معصیت نباید عمل کرد و در روایت دوم و سوم، مصداق معصیت را ذکر می‌کنند.

الف: عمل نکردن به نذر معصیت

در روایت اول آمده است: «من نذر أن يطیع الله فليطعه، ومن نذر أن يعصي الله فلا يعصه»؛^۴ کسی که نذر طاعت خداوند کرد، باید نذرش را به‌جای بیاورد و کسی که نذر معصیت کرد، نباید به آن عمل کند.
ابن عثیمین^۵ از کسانی است که به این روایت، استناد کرده است.

بررسی و نقد

این روایت، تنها در مقام بیان این نکته است که نذرکننده نباید به نذری که در معصیت کردن خداوند گفته، عمل کند؛ ولی آیا اهدای ثواب عمل برای اموات، معصیت

۱. ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل، ج ۹، ص ۲۳۹.

۲. آل‌الشیخ، عبداللطیف بن عبدالرحمن، منهاج التأسيس والتقدیس، ص ۲۴۲.

۳. فوزان، صالح بن فوزان، المنتقى من فتاوى الفوزان، ج ۱، ص ۲۳۰.

۴. «ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۳، ص ۱۵۷»؛ «ابن‌ماجه قزوینی، محمد، سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۶۸۷».

۵. ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل، ج ۱۷، ص ۱۸۷.

می‌باشد؟ در حالی که روایات صحیح در کتب معتبر اهل سنت، نسبت به جواز آن وجود دارد؛ چنان‌که از ابن عباس نقل شده است:

«عَنْ عِكْرِمَةَ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ أُمَّهُ تُؤَقِّبُ أَبْنَعَهَا إِنْ تَصَدَّقْتُ عَنْهَا؟ قَالَ: «نَعَمْ»، قَالَ: فَإِنَّ لِي مَخْرَافًا وَأُشْهِدُكَ أَنِّي قَدْ تَصَدَّقْتُ بِهَا عَنْهَا»؛^۱

شخصی به پیامبر ﷺ گفت: مادرش از دنیا رفته است. آیا فایده دارد که از جانب او صدقه بدهد. پیامبر ﷺ فرمودند: بله، می‌توانی از جانب او صدقه بدهی. آن شخص گفت: رسول خدا را شاهد می‌گیرم که باغ مخرافم (نخلستانی بوده) صدقه مادرم باشد.

همچنین علمای بزرگ اهل سنت، نسبت به ایصال ثواب صدقه برای میت، ادعای اجماع کرده‌اند؛^۲ علاوه بر اینکه، برخی از وهابیت مانند ابن عثیمین نیز، اهدای ثواب عمل برای اموات را جایز می‌دانند و مُعترف هستند، میت از اعمالی که دیگران برای وی هدیه می‌کنند، بهره می‌برد. وی بین عبادات مالیه، مانند صدقه‌دادن و عبادات بدنیه، مانند نماز و روزه، هیچ تفاوتی قائل نشده و قائل به جواز تمامی خیرات به اموات می‌باشد.^۳ او مُعتقد است، هر عمل صالحی که برای میت خیرات می‌کنند، به وی می‌رسد.^۴

بنابراین اهدای ثواب عمل برای اموات معصیت نمی‌باشد، تا ابن عثیمین بخواهد، با روایت فوق، معصیت بودن آن را ثابت کند

ب: معصیت بودن روشن کردن چراغ در کنار قبر

یکی از دیگر روایاتی که وهابیت به آن استدلال می‌کنند، روایتی است که در آن، مصداق معصیت بیان شده است. این روایت، منسوب به پیامبر ﷺ است که از طریق ابوصالح در کتب روایی اهل سنت، نقل شده است؛^۵ چنان‌که در کتاب مسند احمد بن حنبل آمده

۱. بخاری، محمد، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۱.

۲. نووی، یحیی بن شرف، فتاوی الإمام النووی، ص ۸۳.

۳. ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل، ج ۱۷، ص ۲۵۳.

۴. همان، ص ۲۵۵.

۵. «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ كَثِيرٍ، أَخْبَرَنَا شُعْبَةُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُحَادَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا صَالِحٍ، يُحَدِّثُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: لَعَنَ: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ كَثِيرٍ، أَخْبَرَنَا شُعْبَةُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُحَادَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا صَالِحٍ، يُحَدِّثُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: لَعَنَ: (سجستانی، ابوداود، سلیمان، سنن ابی داود، ج ۳، ص ۲۱۸، ح ۳۲۳۶): «أَخْبَرَنَا قُتَيْبَةُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَارِثِ بْنُ سَعِيدٍ، عَنْ

است: «حدثنا هاشم، حدثنا شعبة، عن محمد بن جحادة، عن أبي صالح، عن ابن عباس، قال: لعن رسول الله ﷺ زائرات القبور، والمتخذين عليها المساجد والسرج».^۱

ابن عثيمين نیز با توجه به روایت نبوی، روشن کردن چراغ در کنار قبر را معصیت و عمل نذر به معصیت را جایز نمی‌داند؛ ولی در اینکه آیا کفار یمن بر وی هست یا نه، در بین اهل علم اختلاف است که احتیاط در دادن کفاره است.^۲

بررسی و نقد

این روایت، علاوه بر ضعف سندی، دارای ضعف دلالتی نیز می‌باشد که در ادامه، بررسی خواهد شد.

بررسی سند روایت

در سند این روایت، ابوصالح وجود دارد. اسم وی «بازام» است و شعیب ارنؤوط، محقق کتاب مُسند احمد بن حنبل، درباره او می‌نویسد: بسیاری از بزرگان، مانند نسایی، ابوحاتم، عقیلی، ابن عدی، ابن جارود، ابواحمد حاکم، ابن حبان و دیگران، وی را تضعیف کرده‌اند.^۳

همچنین وهابیانی مانند البانی این روایت را ضعیف می‌دانند^۴ و در توضیح آن، به ضعف ابوصالح تصریح می‌کنند و آن را به جمهور علما نسبت می‌دهند. البانی بیان می‌کند: به جز عجلّی، هیچ کس ابوصالح را توثیق نکرده است. او همچنین علّت ضعف راوی را تدلیس وی ذکر کرده است:^۵ علاوه بر البانی، قفیلی محقق کتاب التوحید^۶ یا محقق کتاب فتح المجید،^۷ نیز، به ضعف روایت و تضعیف ابوصالح اقرار کرده‌اند.

محمد بن جحادة، عن أبي صالح، عن ابن عباس قال: لعن «(نسائی، احمد بن شعيب، السنن الصغرى، ج ۴، ص ۹۴، ح ۲۰۴۳).

۱. ابن حنبل، احمد، مسند الامام أحمد بن حنبل، ج ۵، ص ۱۲۸.

۲. ابن عثيمين، محمد بن صالح، مجموع فتاوى ورسائل، ج ۱۷، ص ۱۸۷.

۳. «و هذا إسناد ضعيف، أبو صالح: و اسمه بازام و هو مولى أم هانئ، ضعيف ضعفه أبو حاتم و النسائي و العجلي و ابن عدي و ابن الجارود و أبو أحمد الحاكم و ابن حبان و غيرهم»؛ (ابن حنبل، احمد، مسند الامام أحمد بن حنبل، ج ۳، ص ۴۷۱).

۴. البانی، محمد، ضعيف موارد الظمان إلى زوائد ابن حبان، ص ۵۰.

۵. البانی، محمد، إرواء الغلیل في تخريج أحاديث منار السبيل، ج ۳، ص ۲۱۲.

۶. عبد الوهاب، محمد، كتاب التوحيد، ص ۶۸.

۷. تمیمی، عبدالرحمن بن حسن، فتح المجید، ص ۲۵۰.

بررسی دلالتی روایت

ابن عثیمین با توجه به روایت نبوی ﷺ، روشن کردن چراغ در کنار قبر را معصیت و عمل نذر این گونه را از نذرهای معصیت می‌داند؛ حال آنکه اولاً، این روایت برای زنان بوده و پیامبر ﷺ، زنانی را که چراغی بر روی قبر روشن کنند، ذکر کرده‌اند؛ چنانکه محمد بن عبدالوهاب در خصوص این روایت، به آن اشاره کرده است؛^۱ لذا معصیت آن نمی‌تواند به صورت مطلق باشد. ثانیاً، به دلیل اینکه قصد و نیت نذرکننده معصیت نمی‌باشد، بلکه این عمل را برای خداوند انجام می‌دهد و دلایل متعددی نسبت به جواز این نذرها وجود دارد، باید به آن عمل کند.

ج: حرمت نذر در محل پرستش بُت و مکان برگزاری عیدی از اعیاد جاهلیت

یکی از دیگر روایاتی که وهابیت به آن استدلال می‌کنند، روایت ثابت بن ضحاک است که با این سند آمده است:

«حدثنا داود بن رشيد، حدثنا شعيب بن إسحاق، عن الأوزاعي، عن يحيى بن أبي كثير قال: حدثني أبو قلابة، قال: حدثني ثابت بن الضحاك، قال: نذر رجل على عهد رسول الله ﷺ أن ينحر إبلا ببوانة فأتى النبي ﷺ فقال: إني نذرت أن أنحر إبلا ببوانة، فقال النبي ﷺ: هل كان فيها وثن من أوثان الجاهلية يعبد؟ قالوا: لا، قال: هل كان فيها عيد من أعيادهم؟ قالوا: لا، قال رسول الله ﷺ: أوف بنذرك، فإنه لا وفاء لنذر في معصية الله، ولا فيما لا يملك ابن آدم»^۲

شخصی در زمان رسول خدا ﷺ نذر کرده، شتری را در مکانی به نام بوانه، قربانی کند. نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد و گفت: نذر کرده در مکانی به نام بوانه، قربانی کند، حضرت سؤال فرمودند: آیا در آنجا، بُتی از بت‌های جاهلیت پرستیده شده است؟ گفت: خیر؛ حضرت فرمودند: آیا آنجا محل مراسم خاصی از اعیاد جاهلیت بوده است؟ گفت: خیر؛ حضرت فرمودند: به نذرت وفا کن؛ پس به درستی که در راه معصیت خدا نباید به نذر وفا کرد و نه در چیزی که انسان آن را نمی‌تواند انجام دهد.

۱. «العاشر: لعنه من أسرجها»؛ (عبدالوهاب، محمد، کتاب التوحيد، ص ۳۹).

۲. سجستانی، ابوداود، سلیمان، سنن ابی داود، ج ۳، ص ۲۳۸.

وهاییت با ذکر این روایت در کتاب خود، این نوع نذر کردن را معصیت دانسته‌اند.^۱

بررسی و نقد

با توجه به روایت محل بحث، نهایت مسئله‌ای که وهاییت می‌توانند از آن استفاده کند، این است که با اوصاف ذکرشده، اگر کسی نذر کند، نذرش معصیت بوده و نباید به آن عمل کند.

این در حالی است که اولاً، روایت بیان می‌کند در مکان‌هایی که آثاری از مُشرکین وجود دارد، نذری صورت نگیرد^۲ که با نگاهی به سیرهٔ مسلمین از گذشته تا به امروز، به‌وضوح مشخص می‌شود، هیچ‌یک از نذرهای مسلمانان در چنین مکان‌هایی نبوده است؛ همچنین، قبرستان مسلمانان، عاری از هرگونه بُت و اعمال جاهلیت است؛ به-همین دلیل، محمد بن عبدالوهاب دربارهٔ این روایت می‌نویسد: «الخامسة: أن تخصيص البقعة بالنذر لا بأس به إذا خلا من الموانع»؛^۳ اختصاص دادن زیارتگاه برای نذر کردن، جایز است؛ در صورتی که از موانع، خالی باشد. ابن عثیمین هم در شرح بر کتاب التوحید، دلیل سخن مذکور را، جمله «أوف بنذرک» بیان می‌کند.^۴

ثانیاً: بر فرض اینکه، اگر مسلمانی در یکی از اماکن جاهلیت نذر کند، ولی آن مکان خالی از محل پرستش بُت و عیدی از اعیاد جاهلیت باشد، طبق روایت محل بحث، باید به نذرش عمل کند؛ چنانکه شیخ داوود خالدی بغدادی، عالم و فقیه حنفی‌مذهب در کتابش، بعد از بیان روایت مذکور، به این نکته اشاره کرده و می‌نویسد:

«فتبين ان تعيين المكان ولو من اماكن الجاهلية اذا خلى عن وثن من أوثانهم أو عيد من أعيادهم يلزم الوفاء في ذلك المكان المعين و لو بعد لان بوانة كان في أسفل مكة»؛^۵

پس روشن می‌شود که تعیین مکان، ولو اینکه از اماکن جاهلیت باشد، اگر خالی

۱. تمیمی، عبدالرحمن، فتح المجید، ص ۱۵۵.

۲. تمیمی، عبدالرحمن، کتاب التوحید وقرّة عیون الموحّدين، ص ۷۵.

۳. عبدالوهاب، محمد، کتاب التوحید، ص ۳۹.

۴. ابن عثیمین، محمد بن صالح، القول المفید علی کتاب التوحید، ج ۱، ص ۲۴۲.

۵. خالدی، داود بن سلیمان، صلح الاخوان، ص ۱۰۹.

از بُت یا اعیاد آنها باشد، وفا به آن لازم است؛ ولو اینکه آن مکان دور باشد؛ چراکه
بوانه، دور از مکه است.

بنابراین، طبق بیان روایت، عمل کردن به نذر محل بحث نیز لازم است.
نتیجه آنکه طبق روایت و با توجه به اینکه نذر محل بحث، عاری از معصیت می باشد،
باید به آن نذر عمل شود.

ادله جواز نذر برای خداوند و اهدای ثواب آن به اموات

اگر نذر کردن برای خداوند باشد که منفعت و ثوابش به اموات برسد، از دیدگاه آیات،
روایات، سیره مسلمین و همچنین از نظر دیدگاه فقهی مذاهب، باید به آن عمل شود؛ در
ادامه به ترتیب، ادله جواز نذر، بیان می شود.

آیات

یکی از آیاتی که برای جواز نذر محل بحث، می توان به آن استدلال کرد، آیه «يُوفُونَ
بِالنَّذْرِ»^۱ است. این آیه در مقام مدح کسانی است که به نذرهای خود وفا می کنند؛ ضمن
آنکه، سیاق آیات نیز، سخن از ابرار و مدح آنها می باشد؛ چنانکه در آیات قبل از آن
می خوانیم: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ
يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا»؛ به یقین، ابرار از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است. از
چشمه ای که بندگان خاص خدا از آن می نوشند و از هر جا بخواهند آن را جاری می سازند.
با توجه به اینکه نذر محل بحث، برای خداوند و عاری از هرگونه معصیت است، طبق
این آیه، باید به آن عمل کرد. وهابیت نیز از این آیه، وفای به نذر را استفاده کرده اند؛^۲
چراکه در این آیه، عمل به نذر، طاعت و بندگی پروردگار محسوب می شود؛^۳ از این رو،
دلالیت بر وجوب وفای به نذر می کند.^۴ ابن عثیمین، دلالت آیه «وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ»^۱ را

۱. سوره انسان، آیه ۷.

۲. «عبد الوهاب، سلیمان، تیسیر العزیز الحمید، ص ۱۶۵»؛ «ابن عثیمین، محمد بن صالح، القول المفید علی کتاب التوحید، ج ۱، ص ۲۴۵».

۳. فوزان، صالح بن فوزان، إعانة المستفید بشرح کتاب التوحید، ج ۱، ص ۱۸۰.

۴. «تمیمی، عبدالرحمن بن حسن، فتح المجید شرح کتاب التوحید، ص ۱۵۷»؛ «فوزان، صالح بن فوزان، إعانة المستفید

به دلیل وجود امر خداوند بر وفای به نذر، واضح تر از آیه قبل بیان کرده است.^۲

روایات

در روایات فراوانی، جواز نذر به غیر خدا ذکر شده است؛ چنانکه در سنن ابن ماجه از ابن عباس نقل شده است:

«عن ابن عباس، أن رجلاً جاء إلى النبي ﷺ، فقال: يا رسول الله، إني نذرت أن أنحر ببؤنة، فقال: «في نفسك شيء من أمر الجاهلية؟ قال: لا، قال: أوف بنذرك»^۳؛ شخصی از رسول خدا ﷺ سؤال کرد که من نذر کرده‌ام در بوانه، قربانی کنم؛ پس حضرت فرمودند: آیا در نفست، چیزی از امر جاهلیت می‌باشد؟ گفت: خیر؛ پس حضرت فرمودند: به نذرت وفا بنما.

در سنن ابی داود نیز، مانند روایت مذکور آمده است که:

شخصی نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد و گفت: نذر کرده در مکانی به نام بوانه قربانی کند، حضرت سؤال فرمودند: آیا در آنجا، بتی از بت‌های جاهلیت پرستیده شده است؟ گفت: خیر؛ حضرت فرمودند: آیا آنجا، محل مراسمی خاص از اعیاد جاهلیت بوده است؟ گفت: خیر؛ حضرت فرمودند: به نذرت وفا کن؛ پس به درستی که در راه معصیت خدا نباید به نذر وفا کرد و نه در چیزی که انسان آن را نمی‌تواند انجام دهد.^۴

روایت مذکور که با عبارات مختلف در منابع اهل سنت، نقل شده است^۵ و نشان‌دهنده آن است که صرف مکان، دلیل بر شرک نیست و زمانی که نیت نذرکننده، عاری از هرگونه امور جاهلیت باشد، باید به آن عمل کند.

فتوای فقها

بنابر اتفاق مذاهب اسلامی، نذر باید با قصد قربت و برای تقرب به خداوند باشد و اگر

بشرح کتاب التوحید، ج ۱، ص ۱۸۲.

۱. سوره حج، آیه ۲۹.

۲. ابن عثیمین، محمد بن صالح، القول المفید علی کتاب التوحید، ج ۱، ص ۲۴۶.

۳. ابن ماجه قزوینی، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۸۸.

۴. سجستانی، ابوداود، سلیمان، سنن ابی داود، ج ۳، ص ۲۳۸.

۵. ابن حنبل، احمد، مسند احمد بن حنبل، ج ۴۴، ص ۶۲۱.

چنین نیتی نباشد، نذر، باطل است.^۱ شیخ داوود خالدی بغدادی، عالم و فقیه حنفی مذهب در کتابش، سخنان بسیاری از بزرگان اهل سنت را جمع‌بندی و ذکر کرده است. وی می‌نویسد: در نذر، مسئله دائرمدار، نیت نذرکننده می‌باشد. اگر قصد نذرکننده، خود میّت و تقرب جستن به سوی او به وسیله این نذر باشد، این کار جایز نیست و نذر باطل است؛ ولی اگر نذرش برای تقرب به خداوند است و اینکه زندگان به نوعی از این نذر بهره برده و ثوابش به آن مرده برسد (چه اینکه در جهت خاصی برای مصرف بیان کند یا چنین نکند؛ اما در عرف، روشی باشد که برای آن خرج کنند؛ مانند مصلحت قبر یا اهل آن شه یا نزدیکان آن قبر، یا فقرا یا بستگان میت)، در این صورت، واجب است که به نذر وفا کنند.^۲ شیخ داوود خالدی بغدادی، در ادامه به ذکر سخنان علمای اهل سنت که همین قول را بیان کرده‌اند، می‌پردازد و از علمایی مانند أذرعی، زرکشی، ابن حجر هیثمی، رملی الشافعی، قبانی البصری، رافعی، نووی، علاءالدین الحنفی، خیرالدین الرملی الحنفی، شیخ محمد الغزی و شیخ قاسم الحنفی، نام می‌برد.^۳

امروزه نیز علمای اهل سنت، حکم به جواز این گونه نذرها داده‌اند؛ از این رو، در کتاب محمود الفتاوی که فتاوی دارالعلوم زاهدان بوده و زیر نظر مولوی عبدالحمید به چاپ رسیده، مسئله مذکور و جواز آن، مطرح شده است؛ چنانکه وی می‌نویسد:

هرگاه برای ما مشکلی پیش آمد، ما دعا می‌کنیم که خدا یا، به شرافت و دوستی فلان بزرگ، این مشکل ما را حل کن و نذر می‌کنیم که یک رأس گوسفند در یک محل خاص در رضای خدا و ثواب به روح رسول الله ﷺ و ثواب به روح صد و بیست و چهار هزار پیامبر ﷺ و ثواب به روح حضرت علی علیه السلام ذبح کنیم. وقت ذبح، بسم الله و الله اکبر نیز می‌گوییم. حال حکم مسئله چیست؟ ... اگر منظور از ذبح در فلان جا، تعظیم همان مکان یا شخص یا تقرب غیر الله باشد، این نذر، نذر غیر الله شمرده می‌شود و این گوسفند هم حرام است. اگرچه وقت ذبح، اسم خدا گفته شود. اگر حیوان را به نام الله ذبح کند و ثوابش را به روح بزرگی ببخشد، این،

۱. جزیری، عبدالرحمن بن محمد، الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۲، ص ۱۲۷.

۲. خالدی، داود بن سلیمان، صلح الاخوان، ص ۱۰۴.

۳. «همان، ص ۱۰۵-۱۰۴»؛ «علامه امینی، عبدالحسین، الغدير، ج ۵، ص ۲۶۲».

نذر غیرالله نیست و جایز است؛ البته اگر این طور بگوید: اگر خداوند متعال خواسته مرا برآورده سازد، من ثواب ده تومان را برای رضای خدا، به فلان بزرگ می‌بخشم، در این هیچ اشکالی وجود ندارد.^۱

سیرهٔ مسلمین

سیره و روش مسلمانان بر این بوده است که برای خداوند نذر می‌کردند و ثواب و پاداش آن را برای انبیا، اولیا، علما و بزرگان یا اموات خودشان، هدیه می‌کردند که در اینجا به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

الف: مردم برای قبر عبدالله بن علی بن ابی طالب علیه السلام نذر می‌کردند؛ چنانکه یاقوت حموی در معرفی «مذار» می‌گوید: مَذَار در منطقه میسان بین واسط و بصره است و تا بصره چهار روز فاصله دارد. قبر عبدالله بن علی بن ابی طالب علیه السلام در آنجا قرار دارد و دارای بارگاه بزرگ و باشکوهی است. مردم، اموال زیادی برای عمارت و آبادانی آن خرج می‌کنند و دارای موقوفات زیادی است و برای این قبر و بارگاه، نذرهای فراوانی می‌شود.^۲

ب: اهل سنت در کنار قبر احمد بن علی بدوی نذر می‌کردند؛ چنانکه آمده است:

«وفیها السید الجلیل الشیخ احمد بن علی بن ابراهیم بن محمد بن ابی بکر البدوی الشریف الحسیب النسیب ... ودفن بطندتا وجعلوا علی قبره مقاما واشتهرت کراماته وکثرت النذور الیه»^۳

در این سال (سال ۶۷۵)، سید جلیل شیخ احمد بن علی بن محمد بن ابی بکر البدوی از دنیا رفت؛ در "طندتا" دفن شده و روی قبرش مقامی ساختند. کراماتش مشهور است و نذر برای او زیاد آورده می‌شود.

ج: قبر مؤدب در تونس قرار دارد. هنگامی که دریا طوفانی و موج شود، مردم، دریا را به او قسم می‌دهند. مردم از خاک قبر او همراه خود می‌برند و برای او نذر می‌کنند.^۴

د: شیخ محمد بن دشم یا محمد بن رستم که از علمای حنبلی و از بزرگان مشایخ

۱. مفتی خدا نظر، محمود الفتاوی (فتاوی دار العلوم زاهدان)، ص ۲۹۱-۲۸۸.

۲. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، ج ۵، ص ۸۸.

۳. ابن عماد، شهاب الدین، شذرات الذهب، ج ۷، ص ۶۰۵.

۴. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، ج ۲، ص ۶۲.

عراق محسوب می‌شود در روستای راذان، نزدیک سامرا، از دنیا رفت و در همان‌جا به خاک سپرده شد.^۱ مردم نذرهای فراوانی برای وی می‌کردند؛^۲ همچنین برای عیدالله بن محمد معروف به نذور، نذر می‌کردند؛^۳ چنان‌که قاضی ابوالقاسم علی بن محسن تنوخی به نقل از پدرش ماجرای مفصلی دربارهٔ این قبر و علت شهرت آن به قبر نذور بیان کرده است؛^۴ همچنین نذر برای «تل توبه»^۵ و نذر برای قبر یکی از انبیاء الهی در نزدیکی باب‌الیهود در شهر حلب^۶ و... دیگر نذرهای مسلمانان می‌باشد.

نتیجه

یکی از شرایط نذر، از نگاه تمامی مذاهب اسلامی، این است که نذر باید برای خدا باشد و اگر کسی موجود دیگری را به‌جای خدا قرار دهد و همان جایگاه را اعم از الوهیت و ربوبیت برای غیرخدا قائل باشد، یقیناً دچار شرک شده است و اگر قصدش الوهیت و ربوبیت نباشد، شرک مُرتکب نشده است.

گاهی ممکن است، مسلمانی برای خداوند نذر کند و ثوابش را به اولیای الهی یا اموات اهدا کند که اکثر وهابیت قائل به جواز نیستند. اگرچه آنها به روایاتی استدلال کرده‌اند، ولیکن هیچ‌یک از آنها نمی‌تواند عدم جواز چنین نذرهایی را اثبات کند؛ ضمن آنکه ادلهٔ قرآنی و روایی، فتوای فقهای مسلمانان و همچنین سیرهٔ مسلمین، جواز نذرهای فوق را اثبات می‌کند.

۱. ذهبی، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، ج ۲۱، ص ۲۶۱.

۲. یافعی، عبدالله بن اسعد، مرآة الجنان و غیرة الیقظان، ج ۳، ص ۳۵۶.

۳. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۰۵.

۴. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، تاریخ مدینة السلام، ج ۱، ص ۴۴۷ - ۴۴۶.

۵. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۱.

۶. همان، ص ۲۸۴.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، **النهاية في غريب الحديث والأثر**، تحقيق: طاهر احمد الزاوی، محمود محمد الطناحي، بيروت: المكتبة العلمية، ۱۳۹۹ق.
۳. ابن ادریس بهوتی، منصور بن یونس، **كشف القناع عن متن الإقناع**، بی‌جا: دارالکتب العلمية، بی‌تا.
۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، **المستدرک على مجموع فتاوى شيخ الإسلام**، تحقيق: محمد بن عبدالرحمن بن قاسم، بی‌جا: بی‌نا، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، **مجموع الفتاوى**، تحقيق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدینه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۴۱۶ق.
۶. ابن حنبل، احمد بن محمد، **مسند الامام أحمد بن حنبل**، تحقيق: شعيب الأرناؤوط و عادل مرشد و دیگران، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۷. ابن عماد، شهاب‌الدین، **شذرات الذهب**، تحقيق: عبدالقادر الارناؤوط؛ محمود الانؤوط، بی‌جا: دار ابن کثیر، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۸. ابن قیم، جوزیه، محمد بن ابی‌بکر، **مدارج السالکین بین منازل إياك نعبد وإياك نستعين**، تحقيق: محمد المعتصم بالله البغدادي، بيروت: دار الكتاب العربي، چاپ سوم، ۱۴۱۶ق.
۹. ابن ماجه قزوینی، محمد، **سنن ابن ماجه**، تحقيق: محمدفؤاد عبدالباقي، بی‌جا: دار إحياء الكتب العربية، بی‌تا.
۱۰. آل‌شیخ، عبداللطیف بن عبدالرحمن، **منهاج التأسيس والتقديس في كشف شبهات داود بن جرجیس**، بی‌جا: دار الهداية للطبع والنشر والترجمة، بی‌تا.
۱۱. البانی، محمد ناصرالدین، **إرواء الغلیل في تخريج أحاديث منار السبیل**، بيروت: المكتب الإسلامي، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
۱۲. البانی، محمد ناصرالدین، **ضعيف موارد الظمان إلى زوائد ابن حبان**، رياض: دارالصمعي، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحيح بخاری**، تحقيق: محمد زهير بن ناصر، بی‌جا: دار طوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۴. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، **فتاوى نور على الدرب**، تحقيق: ابومحمد عبدالله بن محمد بن احمد الطيار، ابو عبدالله محمد بن موسى الموسی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۱۵. ابن عثيمين، محمد بن صالح، **القول المفيد على كتاب التوحيد**، عربستان: دار ابن الجوزی،

چاپ دوم، محرم ۱۴۲۴ق.

۱۶. ابن عثيمين، محمد بن صالح، **مجموع فتاوى ورسائل فضيلة الشيخ محمد بن صالح العثيمين**، تحقيق: فهد بن ناصر بن ابراهيم السليمان، بی جا: دارالوطن، دارالثريا، چاپ آخر، ۱۴۱۳ق.

۱۷. تمیمی، عبدالرحمن بن حسن، **فتح المجید شرح کتاب التوحید**، تحقيق: محمد حامد الفقی، قاهره: السنة المحمدية، چاپ هفتم، ۱۳۷۷ق.

۱۸. تمیمی، عبدالرحمن، **کتاب التوحید وقره عیون الموحدين في تحقیق دعوة الأنبياء والمرسلين**، تحقيق: بشير محمد عیون، طائف: مكتبة المؤيد، مكتبة دارالبیان، دمشق: الجمهورية العربية السورية، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

۱۹. جزیری، عبدالرحمن بن محمد، **الفقه على المذاهب الأربعة**، بیروت: دارالکتب العلمية، چاپ دوم، ۱۴۲۴ق.

۲۰. حموی، یاقوت بن عبدالله، **معجم البلدان**، بیروت: دار صادر، چاپ دوم، ۱۹۹۵م.

۲۱. خالدی، داود بن سلیمان، **صلح الاخوان من اهل الايمان و بيان الدين القيم فی تبرئه ابن تیمیه و ابن القيم**، بمبئی: مطبعة نخبة الاخبار، ۱۳۰۶ق.

۲۲. خطیب بغدادی، احمد بن علی، **تاریخ مدينة السلام وأخبار محدثيها وذكر قطانها العلماء من غير أهلها ووارديها (المعروف بتاريخ بغداد)**، تحقيق: بشار عواد معروف، بیروت: النشر دار الغرب الإسلامي، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

۲۳. دویش، احمد بن عبدالرزاق، **فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء**، بی جا: نشر الرئاسة العامة للبحوث العلمية والإفتاء، بی تا.

۲۴. ذهبی، محمد بن احمد، **سير أعلام النبلاء**، تحقيق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ سوم، ۱۴۰۵ق.

۲۵. زبیدی، محمد بن محمد، **تاج العروس من جواهر القاموس**، تحقيق: مجموعة من المحققين، بی جا: دار الهداية، بی تا.

۲۶. سجستانی، ابوداود، **سنن أبي داود**، تحقيق: محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت: المكتبة العصرية، بی تا.

۲۷. عبدالوهاب، محمد، **کتاب التوحید الذی هو حق الله على العبيد**، تحقيق: عبدالعزيز بن عبدالرحمن السعيد وغيره، ریاض: نشر جامعة الأمام محمد بن سعود، بی تا.

۲۸. عبدالوهاب، سلیمان بن عبدالله، **الصواعق الالهية فی الرد على الوهابية**، تحقيق: سراوی، بیروت: دار ذوالفقار، چاپ اول، ۱۹۹۸م.

۲۹. عبدالوهاب، سليمان بن عبدالله، **تيسير العزيز الحميد في شرح كتاب التوحيد الذي هو حق الله على العبيد**، زهير الشاويش، بيروت: المكتب الاسلامي، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۳۰. عصيمي التميمي، صالح بن مقبل، **بدع القبور أنواعها وأحكامها**، رياض: نشر دار الفضيلة، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۳۱. عظيم آبادي، محمد شمس الحق، **عون المعبود شرح سنن أبي داود**، تحقيق: عبدالرحمن محمد عثمان، مدينه: المكتبة السلفية، چاپ دوم، ۱۳۸۸ق.
۳۲. اميني، عبدالحسين، **الغدير في الكتاب و السنة والأدب**، بی جا: نشر مركز الغدير للدراسات الاسلاميه، ۱۴۱۶ق.
۳۳. فراهیدی، خليل بن احمد، **العين**، بی جا: دار ومکتبة الهلال، بی تا.
۳۴. فوزان، صالح بن فوزان، **إعانة المستفيد بشرح كتاب التوحيد**، بی جا: مؤسسة الرسالة، چاپ سوم، ۱۴۲۳ق.
۳۵. فوزان، صالح بن فوزان، **المنتقى من فتاوى الفوزان**، امارات: مكتبة الفرقان، چاپ دوم، ۱۴۲۶ق.
۳۶. كاشف الغطاء، جعفر بن خضر، **منهج الرشاد لمن اراد السداد نص الرساله الجوابيه التي بعث بها الشيخ جعفر كاشف الغطاء الى الامير عبدالعزيز بن سعود**، قم: مركز الغدير للدراسات الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۳۷. مفتی خدا نظر، محمود، **الفتاوى (فتاوى دارالعلوم زاهدان)**، زیر نظر مولوی عبدالحمید، زاهدان: نشر صدیقی، چاپ سوم، ۱۳۸۵ق.
۳۸. نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام**، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ هفتم، ۱۳۶۲ش.
۳۹. نسائي، احمد بن شعيب، **السنن الصغرى**، تحقيق: عبدالفتاح ابوغده، حلب: مكتب المطبوعات الإسلامية، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۴۰. نووی، يحيى بن شرف، **فَتَاوَى الْإِمَامِ النَّوَوِيِّ الْمُسَمَّاةُ بِالْمَسَائِلِ الْمَثُورَةِ**، تحقيق: محمد الحجار، بيروت: دَارُ البشائرِ الإسلامية للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ ششم، ۱۴۱۷ق.
۴۱. يافعى، عبدالله بن اسعد، **مرآة الجنان وعبرة اليقظان في معرفة ما يعتبر من حوادث الزمان**، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.